



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَ مَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

نحوست یا نامناسبیت

سؤال: در برخی از توصیه های شرعی و دینی؛ و نیز اصطلاحات علمی قدیم؛ و همچنین عقاید متداول میان مردم؛ تعبیر نحس بودن یا نامناسب بودن برخی روزها یا اوقات مانند در وقت تحت الشعاع بودن ماه، یا هنگام قمر در عقرب، و یا روزهای خاصی از ماهها مطرح است، می خواستم توضیح بفرمایید که آیا اینها چه صورتی دارد؟ کلی است؟ یا در شرایط خاص یا موارد خاصی است؟ مواردی که از نظر مناسبیت یا عدم مناسبیت قابل رعایت است؛ آیا به آنچه در برخی کتابهای دینی از قول شرع شریف آمده؛ محدود می شود؟ یا اینکه محدود به آن موارد مذکور نیست؟

جواب:

۱- آنچه به خصوص مورد سؤال شما واقع شده است؛ خیلی کلی بوده، چه برسد به سؤال از آنچه عموماً در میان مردم مطرح است، که این دامنه موضوع را بسیار وسیعتر کرده و ابهام مطلب مورد سؤال را بیشتر می کند، ولی عجالاً به برخی موارد اشاره می شود.

۲- میان آنچه که میان عامه ناس مطرح است؛ و میان آنچه که در شرع شریف اشاره به آن شده؛ یا در منابع علمی (تتجیم) به عنوان اختیارات ایام مطرح می شود، بسیار تفاوت است، چه اینکه بسیاری از موارد معروف در السنه عامه دقیق نبوده، یا مشوب به اضافات یا تحریفاتی است، بر خلاف آنچه در شرع شریف رسیده یا در مراجع علمی معتبر مطرح گردیده است.

۳- همان موارد معتبر و دقیق و غیر محرف یا غیر مشوب به اضافات و تحریفات نیز؛ نوعاً عنوان حذر و پرهیز کلی نداشته، و غالباً محذوریتش مربوط به برخی از امور می باشد، ولی در اذهان عامه محذوریتش بطور کلی است، و منشأ این ذهنیت یا به سبب عدم دقت در نقل بوده؛ یا بخاطر ملاحظه غالب موارد مربوطه به آن؛ که چون از قسم محذور بوده لذا بطور کلی محذور تلقی شده است.

۴- صحیح آنست که بگوییم: هر وقت مناسبت یا عدم تناسب با برخی از امور را داشته؛ که شخص در صورت شناختن موارد تناسب و عدم تناسب؛ و رعایت آنها؛ به خواست خداوند متعال از فواید آن منتفع شده؛ و از مضار آن محفوظ می ماند.

۵- البته نحوستی که گاهی درباره ایام تعبیر می شود؛ ذاتی نبوده و عارضی است، و در حقیقت این اوقات از حساسیت ویژه ای برخوردار بوده و میزان آسیب پذیری انسان بالا می رود.

۶- نحوست آن اوقات یا به سبب عصیان و بروز خشم الهی در آن هنگام بوده؛ که بدهی است برکتی نداشته بلکه نکبت آور است، (اعاذنا الله). و یا اینکه به سبب عروض آثار قدرت الهی در اوقات مختلف بوده؛ که بر حسب تنظیم و تقدیر الهی در قوانین تکوین و آفرینش؛ در هر وقتی موفقیت یا عدم موفقیت امری بیشتر قرار داده شده؛ و بالطبع امور دنیوی در اوقات مختلف (از نظر نتیجه بخشی) متفاوت خواهد بود.

۷- همچنانکه تناسب رویش گیاهان را با هنگام اعتدال ربیعی و بروز نشانه های وقوع فصل بهار تشخیص می دهند؛ سایر تناسبها و عدم تناسبها را نیز از دیگر امور فلکی و آنچه مربوط به وضعیت کواکب است استخراج کرده؛ و به آن معین می نمایند، در لسان عرف و شرع و علم تنجیم؛ از این اوقات نامتناسب تعبیر به نحس شده است،

۸- اگر در هنگام خاصی این عدم تناسب به بیشترین امور اصلی مخاطبین (مانند تاسیس کارهای مهم، ازدواج، سفر و...) تعلق بگیرد؛ بطور کلی آن هنگام نحس تعبیر می شود، ولذاست که در این اوقات؛ شرع شریف اهل ایمان را از تأسیس یا متابعت امور مادی برحذر داشته؛ بلکه بجای آن توصیه به استغراق آن هنگام در عبادت فرموده است.

۹- بنابر این شخص آگاه با اطلاع از وقایع شوم در روز خاصی؛ یا عدم تناسب آن هنگام با بیشتر امور مهمه و اساسی؛ ضمن پرهیز از پرداختن به آن امور؛ نسبت به نوع رفتار در آن روز؛ هوشیار شده، و ضمن مراقبت در باطن و ظاهر؛ و پرهیز دقیقتر و عمیقتر از تاریکیها و پلیدیها؛ با اقبال بهتر و بیشتر به روشنیها و پاکیها؛ از شرور و آفات به حق تعالی استعاذه می نماید.

۱۰- درباره تناسب یا عدم تناسب برخی امور در اوقات فلکی خاص؛ آنچه در کلام مقدس (وحی و خازنان وحی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ذکر شده؛ بسیار محدود بوده؛ و چون این فرمایشات نوعاً در پاسخ سؤال خاص اشخاص و به مناسبت شرایط پرسشگر و اولوئهای وی، و همچنین نیازهای غالب و امکانات عامه مردم بوده است، نه اینکه در مقام بیان: تمامی تفصیلات مناسبتها و عدم مناسبتهای اوقات؛ نسبت به امور گوناگون و اشخاص مختلف باشد، لذا می بینیم که موضوعات مطرح شده به چند

عنوان معدود (سفر و نکاح و تاسیس امور و...) آن هم در چند وقت خاص (قمر در عقرب و تحت الشعاع و...) محدود می باشد.

۱۱- علت محدود بودن موارد ذکر شده در کلام مقدّس؛ آسان نبودن ملاحظه تفصیل بیشتر جهت عامه مردم بوده، که اکثراً به مهمترین کارهای غالب ناس در آن زمان شده است.

۱۲- بنابر این موارد مذکوره دلیل بر انحصار در این موارد نبوده، و عدم ذکر دیگر موارد نیز دلیل بر عدم اهمیت یا عدم واقعیت آنها نمی باشد، و شخص مهتدی به روش انبیا و اوصیای الهی علیهم السلام؛ ضمن بهره مندی از موارد ذکر شده، در صورت علاقه به اطلاع و مراعات موارد دیگر؛ می تواند از طریق مطمئن اقدام نماید.

والحمد لله رب العالمین